



فرماندهان نظامی و تدوین تاریخ جنگ؛

توانمندی‌ها و محدودیت‌ها

	<p>موضوع هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ملت ایران در برابر تجاوز نظامی عراق و حامیان رژیم بعثی، چنان گسترده و فراگیر است که جا دارد عالمانه و با شایستگی تمام مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد. بازشناسی جنبه‌های گوناگون این رویداد مهم در عرصه انقلاب اسلامی، مستلزم طرح مبانی نظری و کسب نقطه نظر نکته سنجان و ژرف اندیشان دلسوخته‌ای است که به اهمیت و ضرورت این رویداد تاریخی وقوف و اعتقاد دارند. بی تردید حاصل این بازجست‌ها، و رای آنچه که در ایام دوران دفاع مقدس عمدتاً بر گونه تبلیغاتی صورت یافته است، به شناخت زیرساخت و جهات ناشناخته و بنیادین این واقعه عظیم مربوط و منتهی می‌شود. شناخت و بررسی درست و همه جانبه از جوه پیدا و پنهان جنگ و بازتاب و تأثیر آن در بنیان‌های اجتماعی و عرصه اندیشه و رزانه تاریخی و فرهنگی، جز در سایه تلاش مستمر، اندیشه پویا و قانونمند و به ویژه بازکاوی تخصصی و تفکیکی هر یک از موضوعات و مسائل مختلف آن امکان پذیر نمی‌باشد. امروزه با گذشت ۲۰ سال از حماسه بی بدیل رزمندگان، هنوز جامعه انقلابی و به ویژه نسل‌های دوم و سوم، تشنه آگاهی از ابعاد مختلف وقایع آن دوران می‌باشند و این مسأله و وظیفه سنگین و سترگی را بر دوش فرماندهان، رزمندگان، مسئولین سیاسی، فرهیختگان و نهادهای مطالعاتی و تحقیقاتی قرار داده تا با اهتمام بیشتر، مسائل مربوط به آن را بازگو نمایند. اما دریغ آن‌طور که شایسته این نظام و مردم هوشیار آن است نتوانسته‌ایم انتظارات و توقعات آنها را در این زمینه برآورده سازیم. در راستای نیل به این مقصود و بازخوانی خود موضوع در تاریخ نگاری جنگ تحمیلی، فصلنامه نگین ایران طی مصاحبه‌هایی با چند تن از فرماندهان و مسئولین دوران دفاع مقدس، موضوع عدم تألیف تاریخ (وقایع) جنگ تحمیلی از سوی فرماندهان و افراد صاحب نظر را در این زمینه مورد بررسی و آسیب شناسی قرار داده است. لازم به توضیح است که گزارش حاضر، برگرفته از متن مصاحبه‌هایی است که توسط آقای خداوردی با آقایان سردار محسن رشید، سردار دولت آبادی، سردار دقیقی و امیر سرتیپ عزتی انجام شده است و در نهایت در قالب یک گزارش میزگرد تنظیم شده است. ضمن تشکر از این عزیزان امید داریم موضوعاتی که در این بخش ارائه می‌گردد گامی در راستای گسترش ادبیات دفاع مقدس باشد.</p>	<p>اشاره</p>

○ رویدادها و حوادث تاریخی اساساً از چه نظر اهمیت دارند؟

● **سردار دولت‌آبادی:** تاریخ به مثابه یک علم در مرحله نخست، در قالب تاریخ‌نگاری متجملی می‌گردد. وقایع و حوادث، وقتی در دوران خودش ثبت شود با گذشت زمان به تاریخ تبدیل می‌شود. هر چه آن حوادث در شکل مکتوب و ادبیات منسجم بیان شود، بخش توصیفی تاریخ، بهتر شکل می‌گیرد. ممکن است برخی حوادث در عصر خودش مستند نشوند اما در سال‌های پس از آن، که بعضاً هم عصر و هم زمان هم نیستند، به صورت تاریخ درآیند. به عبارتی، هر گذشته‌ای تاریخ نیست، بلکه آن گذشته‌هایی که در دسترس نیستند، تاریخ قلمداد می‌شوند. از این رو الآن نمی‌توانیم این ادعا را در مورد جنگ تحمیلی مطرح کنیم که به تاریخ پیوسته است، چرا که اسناد آن هنوز اسناد دسته اول محسوب می‌شوند. بنابراین در قالب یک تعریف علمی از تاریخ، حوادث تاریخی اگر یک نسل از زمان وقوع آنها بگذرد به تاریخ می‌پیوندند.

تاریخ حوادث گذشته همواره در زندگی آینده بشر تأثیرگذار بوده و وقایع‌نگاری این حوادث به صورت تدریجی به تکامل رسیده است.

تاریخ از دو جنبه، زمینه‌ساز مراحل رشد جامعه بشری شده است:

۱) توصیف، و ۲) تحلیل.

اگر وقایع مهم تاریخی را در نظر بگیریم، از رخداد‌های پیش از اسلام تا حوادثی نظیر واقعه عاشورا، انقلاب کبیر فرانسه، تحولات دوران معاصر و دهه‌های اخیر، شوروی (سابق) و نیز انقلاب اسلامی ایران سخن به میان آمده است؛ اگر مبانی، ریشه‌ها و زمینه هر یک از این تحولات از سوی مورخین و پژوهشگران توصیف و تحلیل نمی‌شد امروز امکان بهره‌برداری از این تجربیات وجود نداشت. اگر نهضت‌های اسلامی به شکل توصیفی مکتوب می‌شد امروز می‌توانستیم از آنها به عنوان یک مانیفست برای انقلاب اسلامی و برای گریز از ظلم حکام مستبد استفاده کنیم. این یک واقعیت است.

۱. رئیس پژوهشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

پس مرحله اول در تاریخ‌نگاری، توصیف حوادث تاریخی و در گام دوم و مهمتر، تفسیر، تحلیل و تأویل تاریخ است. توصیف صرف حوادث تاریخی بدون توجه به تحلیل آنها، به دلیل اینکه احتمالاً بستر حوادث، فرهنگ‌ها، گویش‌ها، زبان‌ها، خاستگاه‌ها و رهیافت‌ها به مرور زمان تغییر می‌کنند، به خودی خود کمکی به جامعه نمی‌کند. درست به مانند اینکه بگوئیم انسان‌های دوران سنگی، سنگ را مدور کردند، بعد آن را حرکت دادند. در این فرآیند، اینکه چرا سنگ را گرد کردند؟ چه استفاده‌ای از آن کردند؟ این اقدام چه تأثیری در محیط زندگی و اقتصاد آن دوره ایجاد کرد؟ و چه دستاوردهایی داشت؟ بسیار مهم است. به عبارتی، تحلیل یک حادثه تاریخی، ارزشمندتر از توصیف آن است؛ زیرا چرایی و روحیه پرسشگری و پژوهشگری را رونق می‌دهد.

اگر نظام علت و معلولی را بفهمیم، به نتایج خوبی دست پیدا خواهیم کرد. در قرآن مجید، هر چند وقایع و سرنوشت اقوام به صورت کلی بیان شده، اما خداوند به انسان عقل داده و چراغ‌هایی هم بر محور احادیث پیامبر (ص) و اولیاء الهی (ع) برای آن قرار داده شده تا در لابه‌لای آنها با حجت درونی عقل درباره چرایی آنها، تدبّر کند. لذا تاریخ به مثابه تعریف و توصیف صرف حالات و حوادث گذشته، بیشتر شبیه به یک داستان است. درحقیقت، این تحلیل واقعه است که مهم است. پس هر جا فاصله بین سوال و جواب از سوی پژوهشگر کوتاه‌تر باشد زمینه‌های رشد و فرزاندگی جامعه بهتر فراهم می‌شود.

در جامعه اسلامی زمان حضرت امام باقر (ع) و حضرت امام صادق (ع) این فاصله کم شد؛ لذا شاهد رویش فکری در این دوره بودیم. در زمان سایر خلفا و امویان این فاصله افزایش پیدا کرد. چرا که قصد داشتند جامعه را از حقایق تحولات دور نگه دارند؛ به همین خاطر، به جای توجه به نهضت فکری، برق شمشیرهای جهالت بر جامعه سایه گسترانید. در تاریخ معاصر ایران و تا قبل از انقلاب اسلامی، سلاطین این رویه را رایج کرده بودند، تا جایی که فرهنگ مطالعه و مکتوب کردن مستندات تاریخی کم رونق شد و به

انقلاب اسلامی در ایران و حوادث جاری در آن نظیر جنگ تحمیلی، بی تردید بخشی از تاریخ ملت ما محسوب می شود و از این حیث که انقلاب و دوران هشت سال دفاع مقدس، ارزش های بسیار و بی نظیری از ایشان، گذشت و فداکاری در خود دارد، ارزش تاریخ نگاری آن را دوچندان می سازد.

● **سردار دقیقی^۱**: تحلیل وقایع تاریخی و میزان تأثیرگذاری رویدادهای آن و نقشی که برای روشن کردن افکار عمومی و عبرت آموزی آیندگان دارد یک بحث علمی است که نیاز به تشریح دارد. اصولاً هر فرد

نسبت به تاریخ حوادث سرزمین خود و تاریخ حیات اجدادش حساس است. از این رو در دهه های اخیر، پدیده انقلاب اسلامی در ایران و وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و فراز و فرودهای هشت ساله آن از این قاعده مستثنی نیست. جنگ تحمیلی که در پی آن، دشمن متجاوز با مقاومت تحسین برانگیز مردمی

مواجه شد که حاصل آن شکست خفت بار برای او و عزت و سربلندی برای ایران بود. ضمن آن که الگوهای مبارزاتی و جنگی رزمندگان توانست سرمشقی برای سایر ملت های آزادی خواه در کشورهای منطقه و جهان باشد و به عنوان تحفه ارزشمندی در قرن ۲۱ در اختیار ملت های مظلوم قرار گرفت.

البته سابقه مبارزه و مقابله با استبداد در ایران سابقه طولانی داشته و امروزه مردم کشورهای دیگر با مطالعه تاریخ ایران و رونمایی دستاوردهای آن، تجارب مبارزاتی ایران اسلامی را بسان مشعلی فروزان فراراه خویش قرار داده اند.

به عنوان مثال، امروز در اوکیناوا، مردم ژاپن

جای آن فرهنگ شعر و شاعری و رمان های عشقی جایگزین آن شد که اساساً در ساخت جامعه و ایجاد دگرگونی و روشنگری جامعه نقش اساسی نداشتند؛ چون تعهدی برای پاسنگویی به آنچه به رشته تحریر درآورده بودند، نداشتند و یک حس درونی بود که جوابش هم در فضای آن دوران بود و همین، عامل عقب ماندگی فرهنگی شد.

● **سرتیپ عزتی^۱**: بدون تردید، بزرگترین و آموزنده ترین درس هایی که هر فرد در جامعه می تواند بیاموزد، از مطالعه و توجه به سرنوشت پیشینیان است. خداوند متعال در قرآن مجید به منظور عبرت آموزی انسان ها، موضوعات و مسائل مختلفی را طرح کرده که نتیجه گیری و تدبّر در آنها برای سازندگی انسان ها می تواند خیلی موثر باشد. (تلك الامثال يقرب هالناس لعلهم يتفكرون). لذا همواره باید به تاریخ یک نگاه مثبت داشت؛ چون سرنوشت اقوام به نوعی تکرار اقوام گذشته است. با این تفاوت که افراد هر جامعه چگونه سره را از ناسره و خوب را از بد تشخیص می دهند و کجا تن به خفت و خواری داده اند و کجا جلوی ظلم و استبداد ایستادگی کرده اند؟

امروز علم تاریخ بسیار گسترده و شاخه های متنوعی دارد که بسیار مورد توجه عالمان و پژوهشگران قرار گرفته است و من نیز به عنوان یک نظامی، بخش مربوط به حوادث تاریخی، تاریخ جنگ ها و آنچه که صبغه نظامی دارد بیشتر مورد علاقه ام می باشد.

نکته ای که سردار دولت آبادی بیان کردند، حائز اهمیت است. آنچه در فرآیند مطالعه تاریخ و توصیف وقایع آن جذاب است، اندیشه و نگرش تحلیلی پیرامون حوادث است. زیرا تاریخ صرفاً یک سلسله رخدادها و اتفاقات گذشته نیست بلکه جریانی است که استمرار دارد و آثار و پیامدهای آن، با توجه به نوع تحلیل جامعه، می تواند چراغ هدایت آن محسوب شود.

نکات پندآموزی در تاریخ نهفته است که می تواند خاستگاه انسان های حق طلب و عدالت خواه باشد.

۱. معاون هماهنگ کننده وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

۲. مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی وزارت دفاع

سردار دولت آبادی:
توصیف صرف حوادث
تاریخی بدون توجه
به تحلیل آنها،
به خودی خود کمکی
به جامعه نمی کند

حاضر نیستند، بچنگند» بعد از برخی از حضار، سابقه حضورشان را در جبهه جنگ (علیه عراق) پرسید؛ که بعضی از آنها سابقه حضور در جبهه از ۱۵ تا ۴۰ ماه را داشتند. نهایتاً به من که رسید گفت: «با توجه به سمت و اشتغال فراوان شما در منطقه حساس سیستان و بلوچستان، گمان نمی‌کنم فرصت حضور در جبهه را داشته‌اید؟» وقتی من گفتم ۱۳۰ ماه در جبهه بوده‌ام، ناگهان حیرت زده از جا برخاست و احترام نظامی گذاشت و از من دعوت کرد تا به پاکستان بروم و در دانشگاه افسری با افسران ارتش پاکستان سخن بگویم. اما دریغ از متولیان فرهنگی کشور که اهتمام لازم را برای نشر و انتشار این اثر و از جان گذشتگی رزمندگان، از خود نشان نمی‌دهند.

○ چرا فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و مسئولین کشوری که نقش راهبردی در جنگ داشتند نسبت به تألیف وقایع جنگ و انتشار آن اقدام نکرده‌اند؟ در حالی که جریانات دوران دفاع مقدس که با جانمایه‌های معرفتی و جلوه‌هایی از اینار و شهادت عجیب بوده می‌تواند عرصه‌های نوین و بدیعی را فرا روی محققان و پژوهشگران بازگشاید.

● سردار رشید؛ در پاسخ به پرسش شما درباره وقایع نگاری جنگ؛ نباید از جایگاه و موقعیت کشورها غافل شد. در جهان امروز، کشورها به دو دسته کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه و جهان سوم تقسیم شده‌اند، آنچه در مورد کشورهای گروه اول صدق دارد این است که آنها دارای نظام باثباتی هستند، از این رو در نشر اطلاعات آزادانه‌تر عمل می‌کنند. همچنین سیستم‌های تعریف شده‌ای دارند و جایگاه‌هایشان مشخص است و میزان شکستن ساختار یا عبور و نزدیک شدن اطلاعات به خطوط قرمز مشخص و مرزبندی شده است. آنها تحت شرایط کاملاً سیستماتیک رفتار می‌کنند و این بخاطر «تربیت سیستمی» است که به تدریج طی فرآیند چند دهه ساله در متن جامعه از سوی حاکمیت رواج پیدا کرده است. اگر از عملیات «طوفان صحرا» و «جنگ خلیج فارس» وقایع و خاطراتی را جهت بهره‌برداری در افکار

تظاهراتی برای لغو قانون کاپیتولاسیون برگزار کرده‌اند، موضوعی که ما در سال ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی علیه رژیم پهلوی پشت سر گذاریم؛ گرچه آنها هنوز موفقیتی کسب نکرده‌اند، اما به نظر می‌رسد که بشریت محتاج دستاوردهای این مبارزات باشد.

یکی از مسئولین می‌گفت در ژاپن و در میدان اصلی توکیو، یکی از مدیران ژاپنی مرا به پای پنجره برد و گفت: «شما این میدان را نگاه کنید، روزگاری آمریکاییها اینجا را سیاه کرده بودند، امروز هم بهره‌گیری از روش‌های تکنیکی و تاکتیکی مقاومت ایران در مقابل آمریکا، کمک بزرگی به ما برای گریز از حوزه نفوذ آمریکا است.»

من معتقدم تاریخ

مبارزه مردم ایران در ابعاد مختلف باید بازکاوی شود. در بُعد فرماندهی، امام خمینی (ره) به عنوان یک مجتهد و رهبر معنوی و استراتژیک‌انگیزه‌های اعتقادی دفاع را در مردم احیا کرد و در جنبه نظامی، بنا به گفته فرماندهان،

عملیات‌هایی انجام شد

که حاصل نوآوری و خلاقیت‌های بی‌بدیل در تکنیک و تاکتیک بود. یا سابقه حضور بلند مدت رزمندگان و فرماندهان در جبهه‌ها که بعضاً موجب حیرت ژنرال‌های دیگر کشورها و از جمله ژنرال اسلم بیگ، رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان، شده بود. به طوری که ایشان در سفری که در سال ۱۳۶۷ به ایران داشتند در جلسه‌ای که در فرودگاه زاهدان که تعدادی از فرماندهان سپاه سیستان و بلوچستان در آن حضور داشتند، تشکیل شد؛ از ایشان پرسیدم: «چرا به غائله مخاصمات مرزی با هندوستان خاتم نمی‌دهید؟»، در آن زمان من فرمانده سپاه سیستان و بلوچستان بودم، او پاسخ داد: «به خاطر اینکه نیروهای نظامی کشور ما

سرتیپ عزتی:

وقایع نگاری کار هر کس

نیست، بلکه یک جوهر و

بستر فرهنگی باید در ضمیر

فرد یا جامعه وجود داشته

باشد تا آنها را به انجام این

مهم سوق دهد

تبدیل می کنیم و امکان نقد سازنده را از بین می بریم. به عبارتی یا قاعده بازی را بلد نیستیم یا به آن پایبند نیستیم.

● **سرتیپ عزتی:** مشکل ما در تاریخ نگاری دوران ۸ سال دفاع مقدس، «حساسیت درون سازمانی» است. دستگاه های حفاظتی سازمان نه تنها نسبت به نگارش تاریخ جنگ، حتی از بیان شفاهی آن در سخنرانی ها ملاحظاتی سخت گیرانه ای را اعمال می کنند. حتی در دانشکده فرماندهی و ستاد، بعضاً از بحث در مورد تجزیه و تحلیل جنگ جلوگیری می شود؛ چرا که

ممکن است به سپاه یا ارتش بر بخورد. با گذشت ۲۰ سال از جنگ نباید با خودسانسوری سعی کنیم مسائل سرزمینی را به مسایل سیاسی تبدیل کنیم. بلکه باید با توصیف و تحلیل وقایع درس های جدیدی از آنها بگیریم و درباره آن فکر کنیم. باید فرماندهان محقق و علاقمند به ثبت وقایع جنگ تحمیلی با همدلی

و وفاق و بدون توجه به رنگ لباس، فراز و فرود، تلخی ها و شیرین های جنگ را بازگو و آموزه های جدیدی را از آن استخراج نمایند. لذا باید از برخوردهای حذفی و رقابتی که مانع جدی برای ثبت وقایع جنگ است پرهیز شود.

در موضوع ثبت وقایع جنگ باید اذعان کنیم که برادران سپاه تا حدودی آزادانه تر عمل کرده اند و به نظر می رسد آنها با محدودیت های کمتری مواجهند و به راحتی خاطرات خود را تعریف یا به تألیف در می آورند. بعضاً به جذابیت و پرکشش بودن آن هم زیاد توجه نمی کنند بلکه علاقه به نگارش و ثبت وقایع را به نحوی وظیفه خود می دانند. حتی برخی از آنها

عمومی به رشته تألیف در می آورند رعایت مرزبندی ها را می کنند. اگر گاهی اظهاراتی در مخالفت با جنگ مطرح می کنند یا افراد و مسئولین حکومتی را مورد انتقاد قرار می دهند، اگر آن انتقادات را نوعی خروجی فرض کنیم اولین کاربر آن خروجی، سیستم حاکم است، هر چند که سیستم حاکم تک صدایی نیست و ظاهراً یکی از وجوه سیستم حاکم، کاربری انتقادات مزبور است، اما از آنجا که چندصدایی در آن نظام ها در واقع صدای واحد با لحن ها و تاکتیک های مختلف می باشد؛ بنابراین کاربر نهایی، سیستم یا رژیم حاکم است.

در مقابل کشورهای دسته نخست، کشورهای دسته دوم قرار دارند که در پی کسب ثبات هستند، اما در ذات و بطن سیستم احساس ثبات نمی کنند. این دسته از کشورها در نحوه انتشار آزاد اطلاعات ملاحظاتی سخت گیرانه ای دارند؛ البته در گروه دوم، استثنایی به نام حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که از روش دیگری تبعیت می کند. در ایران اسلامی نه وضعیت آزاد و سیستماتیک جهان توسعه یافته وجود دارد و نه روش های سخت گیرانه جهان در حال توسعه، بلکه واقعیت ها نوع فعالیت ها را تعیین کرده است. در جمهوری اسلامی عناصر مطلع بیشتر به تاریخ و دیالوگ شفاهی رو آورده اند تا گزارش مکتوب.

از جمله واقعیت هایی که مسبب این نوع اقدام شده است امواج ناشی از انقلاب است که نه تنها هنوز آرام نگرفته بلکه هر روز با موج یا بحران جدیدی درگیر هستیم و لذا هنوز فرصت لازم برای تربیت عناصری که در بازخوانی حوادث جنگ و انقلاب جایگاه مشخصی داشته باشند فراهم نشده است. بسیاری از مقامات هنوز در حال و هوای انقلاب بسر می برند، و چون مبانی شان در حال تغییر مکرر است از این رو به خوبی تبیین نشده و نمی دانند یک جریان را چگونه آغاز و در ادامه آن را به کنترل در آورند. اگر در مخالفت با هم حرفی بزنیم یا نقدی کنیم، به جای آن که انرژی ما معطوف به رفع نقص و اصلاح امور شود، آن قدر آنرا جدی می گیریم که به تدریج آن را به عامل بازدارنده

سردار دقیقی:

در بُعد فرماندهی،

امام خمینی^(ره) به عنوان

یک مجتهد و رهبر معنوی و

استراتژیک، انگیزه های

اعتقادی دفاع را در مردم

احیا کرد

نگهبان و نگهدار اسرار ملی باشیم. اما با مانع تراشی نباید از بیان خاطرات جلوگیری کنیم. به عبارتی؛ باید از لحاظ سازمانی، ظرفیت‌های خود را بالا ببریم و واحدهایی نظیر حفاظت و عقیدتی سیاسی اجازه دهند تا بچه‌های جنگ حرف‌هایشان را بزنند.

● **سردار رشید:** البته در این خصوص نباید از یک موضوع غافل شویم و آن هم هنر نویسندگی است. این یک قاعده کلی است که نمی‌توان انتظار داشت یک نفر جمیع هنرها را داشته باشد. به عنوان مثال ممکن است کسی شاعر خوبی باشد اما داستان‌نویس خوبی نباشد. یا رمان‌نویس باشد اما تحلیل‌گر خوبی نباشد. یا یک نفر ممکن است در فرماندهی عملیات، فرد توانمندی باشد، اما نتواند مدیر پشتیبانی خوبی باشد. شاید کسی بتواند چند هنر را داشته باشد اما جمع هنرها در یک فرد میسر نیست. همچنان که ممکن است رزمنده یا فرماندهی قابلیت شعر گفتن، داستان نوشتن و خبرنگاری و ... را داشته باشد اما ترجیح دهد تفنگ به دست بگیرد و در نهایت گمنامی بجنگد.

علاوه بر نکته فوق، «فقدان روحیه پژوهش» بین رزمندگان و برخی فرماندهان، آسیب دیگری است که در وقایع نگاری جنگ وجود دارد. البته فرماندهان عالی‌رتبه پس از جنگ تمهیداتی را برای ثبت و تألیف وقایع جنگ اندیشیدند اما چون توقعات آنها خارج از قواره یک مدیریت پژوهشی است باعث اختلال در فعالیت‌ها یا ناتمام ماندن آنها می‌شود. در این راستا برادر محسن رضایی در اوایل دهه ۱۳۷۰ در اقدامی ارزشمند، ۱۴ گروه پژوهشی را تشکیل داد. عناصر کاردانی را هم که هر یک تخصص ویژه‌ای داشتند به کار گرفت. اما فقط یک گروه موفق شد که موفقیت آن هم نسبی بود و دیگران تلاش‌شان به نتیجه نرسید. اصلی‌ترین علت این مسأله، ساختار کار گروه و نگاه غیرپژوهشی مدیران گروه بود. به عنوان مثال؛ وقتی یکی از سرگروه‌ها توقع داشت در مدت کوتاهی پروژه مربوطه به تولید نهایی منجر شود، به وی گفتیم: «همانطور که در هر عملیات تا امکانات لازم مهیا نمی‌شد عملیات به تأخیر می‌افتاد، این پروژه هم با

(که به نظر نویسنده آماتوری هم هستند) در بیان اصطلاحات نظامی اشتباهاتی دارند، اما این مسأله مانع از نگارش نشده است. ولی در اکثر فرماندهان یا رزمندگان ارتشی، رعایت این ملاحظات زیاد است. آنها همواره نگران هستند که حرف‌ها یا نوشته‌هایشان در چهارچوب قواعد علمی و نظامی نباشد و مورد نقد دیگران قرار گیرد.

● **سردار دقیقی:** یک فرمانده و یا رزمنده هنگام بیان خاطراتش همواره با کج خلقی‌های سیستم‌های نظارتی مواجه است. او از اینکه بیان خاطراتش و نقل و قول‌هایش ممکن است به کسی بر بخورد و برایش مشکلی پیش بیاورد، می‌هراسد؛ در حالی که ما باید زمینه لازم را فراهم کنیم که او بتواند حرفش را بزند و تجربیات گران سنگ او در جایی ثبت شود، ولو اینکه ممکن است اشتباهی هم داشته باشد. اگر او در بیان حقایق، تندروی کرده باشد یا حقایق را آنگونه که بوده

بیان نکرده باشد، بعداً معلوم می‌شود.

اگر کسی خاطره‌ای از شکست و علت شکست عملیاتی را گفت نباید واهمه داشته باشیم. اگر از بیان حقایق بترسیم، نباید هیچ وقت انتظار ثبت وقایع حقیقی جنگ را داشته باشیم. کسانی می‌ترسند که هیچ سابقه توفیق حضور در جبهه‌ها را نداشته‌اند، اما بعضاً مسئولیت‌هایی را عهده‌دار شده‌اند که لیاقت آن را نداشتند.

از سوی دیگر مطمئن باشید بچه‌های جنگ نه تنها کسی را زیرسوال نخواهند برد، بلکه با هوشمندی، نسبت به حفظ اسرار نظامی نیز واقف هستند و هرگز راضی به افشاء آن نخواهند بود. عقل حکم می‌کند که

سردار رشید:
باید تا فرصت باقی است
از فرماندهان لشکری و
مسئولین کشوری، اطلاعات
مورد نیاز را برای ثبت حقایق
جنگ جمع‌آوری کنیم

اینکه دو عامل موجب شکسته شدن این رخوت شد؛ یکی بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضا، تحریریه دفتر ادبیات مقاومت در سال ۱۳۷۱، که فرمودند: «این جنگ، گنج است»، و دیگری تلاش ارتش در این حوزه که حاصل آن انتشار ۵ جلد کتاب بود.

این اقدام شایسته ارتش، انگیزه سپاه را برای ورود به تاریخ نگاری جنگ احیاء و دو چندان کرد و مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه به عنوان یک مرکز مطالعات تخصصی مورد حمایت قرار گرفت و با دست باز به توصیف و تحلیل جنگ مبادرت کرد. البته مقامات سیاسی نظیر

آقای هاشمی، حسن روحانی و نیز برخی مسئولین و فرماندهان نظامی، خاطرات و تألیفاتی ارائه کردند، اما به بسیاری از ابعاد حماسه دفاع مقدس پرداخته نشده است.

● سردار دولت آبادی:

مسأله غفلت سازمانی هم از جمله معضلاتی است که به جهت اندیشه

غیرحرفه ای مدیران، موجب شده تا اندک افراد اهل قلم در کارهای غیرتخصصی اشتغال یابند و هرگز فرصت بروز استعداد نویسندگی شان را در مورد وقایع نگاری جنگ پیدا نکنند. در سازمان نیروهای مسلح، مدیریت اندیشه سازی که فرمانده یا رزمنده را به نوشتن تشویق کند و آنها را جمع آوری، ثبت و منتشر کند، وجود نداشت. این غفلت، باعث شده که بدنه سازمانی، انگیزه لازم را برای این قبیل فعالیت ها نداشته باشد. به نحوی که بسیاری از افراد رزمنده و فرماندهان به خاطر عدم حمایت از سوی سازمان متبوع، ناخواسته به کارهای اجرایی جذب شده اند. اگر روزی یک فرمانده عالی به من بگوید [تو و تیم

سرعت مورد نظر شما به نتیجه نمی رسد]. واکش او جالب بود و می گفت: «ما گاهی در عملیات ها هم به خاطر اهمیت زمان، فرماندهان را پای کار می آوریم». به گفته وی: «در عملیات کربلای ۱، پتو را از سر... کشیدم؛ و گفتم: بلندشو عملیات کن». اما این نگاه و رفتار اصلاً با روحیه پژوهش سازگار نیست. به عبارتی، او هنوز احساس می کند باید فرماندهی کند. شکی نیست که او صاحب اطلاعات ذی قیمت و ارزشمندی است ولی در اینجا او باید شاگردی کند. شاگردی به این معنا که در مقابل پژوهشگر، متواضع باشد. نویسندگی و پژوهش با روحیه فرمانبری سازگار نیست. هنر فرمانده در یک سطح این است که صحت اطلاعات را ارزیابی کند. اما پژوهش و تدوین از جنس دیگری است. فرمانده باید به نویسنده اعتماد کند. مولف ممکن است یک فرد یا یک سازمان باشد. پژوهشگری «هنر» است هنری که قاعده خاص خود را دارد. چرا بسیاری از پایان نامه ها تأثیر کاربردی ندارند؟ چون روحیه پژوهشگری به معنی اصیل و واقعی از سوی مولف رعایت نشده و صرفاً برای گرفتن نمره آن را انجام داده است. به عبارتی؛ بسیاری از مولفه هایی را که برای خلق یک اثر بدیع و تأثیرگذار لازم است نادیده گرفته است.

متأسفانه در مورد تاریخ نگاری جنگ هم ما دچار چنین مشکلاتی شدیم. رهبر معظم انقلاب تأکید دارند: «راجع به جنگ باید ۸۰ سال نوشت» چرا؟ چون برخی حوادث در جامعه بسیار مهم و هویت سازند. لازمه شناخت این ۸ سال، داشتن اطلاعات مستند است. سپس باید این اطلاعات ارزیابی شود و بعد به گزارش (یعنی توصیف وقایع) تبدیل شود. اما باید توجه داشت که بخش مهمتر، تحلیل واقعه، نتیجه گیری و تجربه اندوزی آن است. البته لازم است توجه داشته باشیم که گزارش مستند را از تاریخ تحلیلی جنگ تفکیک کنیم.

با این همه باید اذعان کنم متأسفانه تاریخ نگاری جنگ (مظلوم) واقع شده است. زیرا پس از جنگ توصیف و تحلیل جنگ برای مدتی به دست فراموشی سپرده شد و کسی در مورد جنگ حرف نمی زد. تا

سرتیپ عزتی:

در موضوع ثبت وقایع جنگ

باید اذعان کنیم که برادران

سپاه تا حدودی آزادانه تر

عمل کرده اند و به نظر می رسد

آنها با محدودیت های

کمتری مواجهند

کند که سود و منفعت ملموس ندارد. غالباً حمایت مالی لازم از تحقیق و تألیف و توسعه تحقیق و پژوهش (به ویژه در مورد جنگ تحمیلی) صورت نمی‌گیرد. ضمن آن که اصلاً برای این حوزه، نیروی انسانی لازم را تربیت نکرده‌ایم و افرادی هم که در حوزه دفاع مقدس مطالبی را نوشته‌اند، راوی جنگ بودند.

در یک جمع بندی، پاسخ پرسش شما که عوامل عدم تألیف وقایع نگاری در جنگ تحمیلی چیست؟ عبارت است از: نگرانی از موقعیت شغلی، نگرانی از زیرسوال رفتن، فقدان پشتیبانی مالی، عدم اعتقاد قلبی به پژوهش در حوزه دفاع مقدس و غفلت سازمانی.

● **سردار رشید:** در سال‌های اخیر، هر چند روز، یک بحران در جامعه به وجود آمده است؛ استمرار وقایع مهم و درگیر بودن مقامات در کارهای اجرایی، مانع از شکل‌گیری سیستم با ثبات و اتاق فکر می‌شود. تصور کنید آقای محسن رضایی پس از ۱۶ سال فرماندهی سپاه، به کارهای اجرایی رو آورد. امروز هم دلایلی وجود ندارد که تمایلی به انفکاک از کارهای اجرایی نشان دهد. سیستمی هم نیست که تجربه تخصصی ایشان را به کار گیرد. بیشترین توان ما در روزمره‌گی هزینه می‌شود و در واقع فرصتی برای فکر کردن نداریم.

از سوی دیگر، سرعت تحولات و حوادث آن قدر سریع است که آنهایی که اهل فکرند، از تحلیل حوادث و کاربردی کردن نتایج آنها عقب می‌افتند؛ به همین خاطر، ارزش کارشان از دست می‌رود و به حاشیه رانده می‌شوند. از سوی دیگر در همین فرآیند، علی‌رغم اینکه تلاش داریم سیستمی عمل کنیم ولی عملاً در پای بندی به موضوعی به نام «پیوند» «همدلی و همبستگی»، ظرفیت پذیری و استحکام لازم را نداریم و پیوندها و ائتلاف‌ها سریع شکسته می‌شوند. اینها نوعی بی‌ثباتی است. از این جهت نمی‌توانیم به مقامات کشوری و لشکری بگوئیم شما با این همه سابقه، بنشین وقایع دوران خودت را تألیف کن. تازه اگر کسی هم همت کند و حرفی بزند و به کسی بربخورد، آنقدر حواشی در مورد آن درست می‌شود

همراهت [هیچکار نکن و کار اجرایی را رها کن و فقط کار پژوهشی در مورد جنگ تحمیلی انجام بده، حقوقت را هم به خاطر ارج نهادن به کار علمی و تخصصی افزایش می‌دهیم، آنگاه قول می‌دهم تمام انرژی خودم را صرف تاریخ‌نگاری تحلیلی دوران دفاع مقدس نمایم. ما مثل چوب پنبه در دریا شناوریم. سازمان، غفلت زده از فرهنگ پرافتخار کشور، قادر به فراخوان علاقمندان به پژوهش نیست.

اگر گاهی اقدامی هم صورت گرفته مقطعی، سمبلیک و عمدتاً به صورت یادمان بوده است. بنابراین عملیات‌های تبلیغاتی به عنوان فعالیت اصلی تلقی و کار فکری به حاشیه

کشیده شده است. کار اجرایی هم که ظاهراً خیر و برکت مادی اش زیادتر جلوه می‌کند، تمایل خیلی‌ها را به خود جلب کرده است.

من ۵-۶ جلد کتاب دارم که مطالب آن را به تسریع جمع‌آوری کرده‌ام. اگر کسی (سازمان یا یک مرکز پژوهش) از من بخواهد، چرا ننویسم. من شخصاً

این توانایی را دارم که در مورد پشتیبانی و آتش، به کارگیری قدرت در جنگ، نقش روحیه در جنگ و... تیم پژوهشی تشکیل دهم، اگر سازمانی پشتیبانی مالی آن را تأمین کند و حقوق معنوی آن را تضمین کند مطمئن باشید همین امروز گروه کاری تشکیل می‌دهم. تأکید می‌کنم پژوهش با شیوه مدیریت سنتی و با شیوه سنتی فرماندهی راه به جایی نمی‌برد. من بارها طرح پژوهشی در موضوعات مختلف را برای سازمان متبوعم ارائه کرده‌ام، اما فرماندهم گفته: «اذیتان نکن، زمان می‌برد، سود ندارد! مسأله دار است و ...». هیچ کس حاضر نیست مدیریت سنتی فعلی زیر سوال رود. هیچ کس حاضر نیست دستور فعالیتی را صادر

سردار دقیقی:
**اگر از بیان حقایق بترسیم،
نباید هیچ وقت
انتظار ثبت وقایع حقیقی
جنگ را داشته باشیم**

بهداری مقوله‌های بااهمیتی است که هنوز مورد توجه واقع نشده است. مقوله‌هایی که غوغایی در آنهاست و نمونه‌هایی از عملیات فرهنگی است؛ اما متأسفانه افرادی که خاطره نویس هم هستند به این مسائل توجه نمی‌کنند.

من معتقدم تا فضای مطالعاتی و اتاق فکر در سطوح استراتژی، تاکتیک و عملیات ایجاد نکنیم؛ تا تحمل خود را برای پذیرش مستندات تاریخ جنگ بالا نبریم؛ تا نگاه از منظر فرماندهی را از فعالیت‌های پژوهشی برنذاریم؛ تاریخ‌نگاری جنگ بستر امنی پیدا نخواهد کرد.

که اظهار کارشناسی را با نظرات سیاسی خلط می‌کنیم لذا آن فرد از حرف زدن صرف نظر می‌کند.

مسئله دیگر، انحصاری کردن تجربیات و دانش است. در کشورهای توسعه یافته، وسیع‌تر از آنچه در جهان سوم مرسوم است، تجربه و دانش در اختیار شهروندان و پژوهشگران قرار می‌گیرد. مثلاً آقای ژنرال جیاب، فرمانده چریک‌های ویت کنگ که بعدها وزیر دفاع ویتنام شد، کتابی ۱۰۰ صفحه‌ای در مورد نبرد «دین بین فو» که سمبل مقاومت ۲۰ ساله ویتنام است به آقای هاشمی رفسنجانی هدیه داد. آن را مطالعه کنید در مقایسه با حماسه‌های بزرگی که ویت کنگ‌ها آفریدند چیزی برای عرضه ندارد. شاید به این دلیل باشد که قصد نداشتند دانش نظامی خود را حتی با حفظ ملاحظات حفاظتی، در اختیار دیگران بگذارند. این در حالی است که در تألیفات غربی‌ها که در مورد جنگ خلیج فارس انتشار دارد اطلاعات قابل توجهی وجود دارد که آنها یقیناً از انتشار آن، هدف کاربردی داشته‌اند.

اشکال دیگری که در عدم تألیف متقن و مستند در مورد رویدادهای جنگ وجود دارد ناشی از سطح عملیات فرهنگی است. در این حوزه، عدم انسجام و به هم ریختگی زیادی به چشم می‌خورد مشخص نیست کدام ساختار اعم از وزارت ارشاد، ریاست جمهوری، سازمان تبلیغات اسلامی، جامعه روحانیت یا جامعه روحانیون، ائمه جماعات، حوزه علمیه قم، جهاد، سپاه یا ارتش، متولی فرهنگی دفاع مقدس است. به طور مشخص امام (ره) در راس این هرم قرار دارد اما نقش سازمان رابط که راس هرم را به قاعده آن متصل کند روشن نیست.

مقام معظم رهبری در حاشیه کتاب‌های داستانی نظیر کتاب همپای صاعقه، اگر این کتاب را یک کتاب تاریخی فرهنگی مستند تلقی کنیم، دارند. آیا از نظر رهبری این نوع فعالیت اولویت اول در تألیفات دفاع مقدس نیست؟

ضرورت نگارش تاریخ فرهنگی در صحنه عملیات، اعم از نبرد تیر و تانک و عملیات‌های خاص نظامی نظیر لجستیک، مخابرات، مهندس رزمی و

○ با توجه به اهمیت وقایع‌نگاری رخدادهای مهم جنگ تحمیلی، وظیفه کسانی که دست‌اندرکار اصلی این حوزه هستند چیست؟

● سردار دقیقی: ما از حدود ۳۴ روز مقاومت در خرمشهر چقدر فیلم و خاطرات مستند داریم؟ چقدر آثار هنری داریم؟ هنرمندان ایران آن زمان کجا بودند؟

سردار دولت‌آبادی:

مسأله غفلت سازمانی از

جمله معضلاتی است که

موجب شده تا اندک افراد

اهل قلم در کارهای

غیر تخصصی اشتغال یابند

چقدر به رسالت علمی و فرهنگی خود برای ترسیم اقدام استراتژیک و تاکتیکی رزمندگانی که در مظلومیت نداری و با دست خالی جنگیدند و تکه تکه شدند، عمل کردیم؟ در واقع ما نسبت به عمق واقعه هیچ چیز نداریم. نمی‌خواهم احساساتی با قضیه برخورد کنم. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل اللہ...» به صراحت بیان شده که شهیدان زنده‌اند، حال که به این معتقدیم پس چه کسی دست نسل سرگردان امروز را که با دنیایی از اطلاعات پردازش نشده از سوی ماهواره‌ها مواجه است، می‌گیرد؟ رسانه‌های نوشتاری ما حاضرند خاطرات «پل برمر» امریکایی که بعد از تجاوز

یادداشت‌ها باید ویرایش شوند که یک کار تخصصی است. رعایت فنون ادبی در آن گیر و دار درگیری‌ها در جبهه، کار من نبود. من آنها را با بیان شکسته ثبت کرده‌ام، اما اکنون یک ادیب قوی می‌خواهد که آنها را اصلاح کند. لذا تهاجم انتقادی خود را به سوی بچه‌های جبهه رفته و شلاق خورده جنگ نگیرید، کمی انصاف هم به خرج دهید و سراغ جامعه هنری و رسانه‌هایی بروید که برای گیشه کار می‌کنند. سراغ اهل قلم، نویسندگان، روزنامه‌نگاران بروید و برسید در راستای رسالت خود که ثبت هویت تاریخی، ملی و مذهبی ملتی است که با نثار جان خود ضامن اقتدار نظام و حاکمیت شد، چه کرده‌اید؟ عدم تبیین و ثبت خاطرات جنگ به آسیب‌شناسی عمیق نیاز دارد که این آسیب‌شناسی کار من نیست بلکه باید اساتید رشته‌های تاریخ و ادبیات، جامعه‌شناسی و ... بیانند موضوع را پی‌گیری کنند و نظریه و راهکارهای علمی و عملی بدهند. البته از ما هم می‌توانند استفاده کنند به خصوص که الآن بسیاری از رزمندگان از مشاغل مدیریتی بازنشسته شده‌اند. لذا با یک مدیریت صحیح می‌توان اینها را جمع کرد تا خاطراتشان را بازگو کنند. الان اگر در فیلم‌های جنگی سوژه عشقی نباشد، فیلم‌سازها به آن علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. متأسفانه در جامعه هنری مان فیلم خوب جنگی، واقعاً کم است. در حالی که آمریکا هنوز از سرباز «رایان» فیلم‌های اسطوره‌ای می‌سازد یا راجع به جنگ جهانی دوم، فیلم‌های مهیج می‌سازد. آنوقت ما چکار کردیم؟ از ۸ سال دوران طولانی جنگ، نه فیلم درست و حسابی و نه رمان جذاب و پرکشش داریم.

در خاتمه تاکید می‌کنم نشر و انتشار حماسه اعجاب برانگیز رزمندگان در دوران دفاع مقدس برای انتقال به نسل‌های آینده یک ضرورت قطعی است. برای بیان وقایع حماسه‌های بی‌بدیل و عبرت‌آموز آن دوران هنوز دیر نشده، من شخصاً حاضرم خاطرات خودم را مجانی و بدون دریافت وجهی در اختیار هر روزنامه‌ای که خواهان و علاقمند به نشر ارزش‌های دفاع مقدس است بگذارم. به عنوان کسی که بیش از ۱۰۰ ماه سابقه حضور در جبهه دارد، شک نکنید که این

به عراق، در رأس حاکمیت این کشور قرار گرفت را به تدریج و هر روز چاپ کنند اما حاضر نیستند خاطرات ما را چاپ کنند.

امروز شهید همت‌ها و باکری‌ها نیستند اما رسالت‌شان به گردان ماست. شما ببینید من حدود ۲۰۰ دفترچه یادداشت را در جبهه و به روز نوشته‌ام. وقتی با روزنامه‌ها تماس گرفتم تا نسبت به چاپ آن اقدام کنند، تمایل جدی نشان ندادند. منت سر من می‌گذارند. می‌گویند: «حالا بنویس بده بعد ما ببینیم چیه، که به کسی توهین نکرده باشی!...». در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته رسانه‌ها برای ثبت این گونه خاطرات نه تنها به این گونه افراد احترام می‌گذارند بلکه از جهات مختلف از او حمایت می‌کنند. آن فرد می‌داند که امتیاز حاصل از نشر خاطراتش نه تنها بخشی از مسائل معیشتی او را تامین می‌کند بلکه با هنری که رسانه‌ها در عرضه آن به جامعه دارند، برد بسیاری در افکار عمومی پیدا می‌کند.

اما روی دیگر سکه، کسانی هم می‌آیند گلایه می‌کنند چرا نوشته‌اید؟ یعنی باز هم فلش انتقاد را به سوی امثال من می‌گیرند، تا به سوی متولیان فرهنگی کشور! می‌گویند تو چرا وقایع و خاطرات را تبیین نکردی؟ نمی‌گویند یک جایی باید باشد که به رزمندگان و خاطرات آنها احترام بگذارد. آنها از خودشان نمی‌پرسند که نظام برای ساماندهی ثبت وقایع جنگ چه تکلیفی بر عهده دارد؟ یا مراکز تحقیقاتی که ایجاد شده‌اند چقدر به رسالت خودشان عمل کرده‌اند و تاکنون چه نقش تأثیرگذاری را ایفا کرده‌اند؟ از ۲۰۰ جلد دفترچه یادداشت، می‌توان ۴۰۰ جلد کتاب تهیه کرد. اما در هر صورت این

سردار رشید:

در جمهوری اسلامی

عناصر مطلع بیشتر به

تاریخ و دیالوگ شفاهی

روآورده‌اند تا

گزارش مکتوب

شیمی، کامپیوتر، ریاضی، حقوق و... را مطرح می کنند و بعضاً چنان بُعد علمی سایر علوم را در حد تئوری نسبت به علوم نظامی بالاتر می برند که گویی دانشگاه غیرنظامی است.

همچنین چنان شرایط ساده ای را برای جذب دانشجو تعیین می کنند که گویا هر کس که از ورود به دانشگاه های دولتی و آزاد وامانده می تواند بیاید و به راحتی در این مکان لیسانس بگیرد. طبیعی است این روش، نه تنها نظامی کارآمد تربیت نمی کند بلکه علائق و ذوق مطالعه و تحقیق در این حرفه را نیز در او بارور نمی سازد. چنین افرادی دانشکده افسری را معبری برای استخدام و

اشتغال می دانند و عشق به نظامی گری ندارند. لذا نباید توقع داشت که چنین افرادی با چنین رویکرد آموزشی، قادر به فکر کردن و نوشتن و ثبت حوادث و وقایع باشند. در حالیکه فرد نظامی باید به جهت نوع آموزش هایش عموماً ظرفیتهش، دید و گرایشش با دیگران فرق داشته باشد. او باید بداند

برای روزهای سخت کشور و ایجاد آرامش در جامعه تربیت شده و برای او هزینه کرده اند تا رنج حوادث ناگوار را با هدف ایجاد آسایش و حفظ استقلال برای مردم کشور به جان بخرد و به عبارتی تاریخ ساز جامعه اش باشد. او باید مانع انحراف در ثبت وقایع فداکاری جوانان ملت خود باشد. لیکن متأسفانه فقر آموزشی و عدم آموزش کافی در فنون نگارش، باعث گردیده تا شایستگی های ایثار و گذشت این ملت خداجو به خوبی از سوی فرماندهان و رزمندگان ثبت نگردد.

البته در زمینه فرهنگی، برادران سپاهی به خاطر شاکله ساختاری، به ویژه بُعد فرهنگی شان تا حدودی

خاطرات بی ارزش نیست. ادعا می کنم یادداشت هایی از این قبیل از سوی هر رزمنده ای بیش از میلیون ها تومان ارزش مالی دارد. چرا که هر موسسه ای بخواهد اقدام به جمع آوری اطلاعات دسته اول در این زمینه کند باید امکانات و هزینه های گزافی را صرف کند. به هر حال امیدوارم با تمهیدات جدی از سوی متولیان، اقدامات شایسته ای برای خروج از این رخوت و رکود فرهنگی ایجاد شود و کاری کنیم که نسل آینده را از وقایع حقیقی جنگ تحمیلی و افتخارات ناشی از ایثارگری های آن سیراب کنیم تا همواره به تاریخ ملت خود ببالند.

● **سرتیپ عزتی:** متأسفانه چه در دوران جنگ و چه با گذشت دو دهه از پایان آن، هنوز آن طور که شایسته این نظام است، حوادث جنگ وقایع نگاری نشده است. علل عدم توجه به این مهم تا حدی روشن و قابل تأمل است؛ که از جمله آنها فقر فرهنگی نویسندگی در فرهنگ جامعه و توجه به مسائل تئوریک نسبت به علوم کاربردی است.

البته وقایع نگاری کار هر کس نیست، بلکه یک جوهر و بستر فرهنگی باید در ضمیر فرد یا جامعه (دستگاه های متولی فرهنگ) وجود داشته باشد تا آنها را به انجام این مهم سوق دهد، چیزی که عمدتاً در کشورهای غربی نسبت به دیگر نقاط جهان رایج تر است. زیرا سیستم آموزشی آنان از دوران کودکی در مدارس، بچه ها را به مطالعه و نوشتن عادت می دهد؛ لذا وقتی بزرگتر می شوند و جایگاهی در جامعه پیدا می کنند، فعالیت های خود را به طور روزانه و فهرست وار ثبت می کنند.

بنابراین یک فرد مسئول در دستگاه های دولتی و خصوصی پس از پایان دوره خدمت، خاطرات و تجربیات ارزشمندی را با خود همراه دارد که نگارش و انتشار آنها بعضاً حاوی مطالب بسیار ارزشمند و آموزنده ای است. اما متأسفانه امروزه در دانشکده های افسری ما کمتر به این بُعد توجه می شود. همچنین این دانشکده ها برای جذب دانشجو ترفندهای دیگری به کار می برند و در تبلیغات خود بحث آموزش فیزیکی،

سردار عزتی:

با گذشت ۲۰ سال از جنگ
باید با توصیف و تحلیل
وقایع، درس های جدیدی
از آنها بگیریم و درباره آن
فکر کنیم

ارتش، باعث دلسردی برخی فرماندهان و رزمندگان ارتش در وقایع نگاری جنگ می‌باشد.

همچنین فرماندهان ارتش هنگام مصاحبه با برخی از برادران پاسدار، به خاطر ملاحظات و سخت‌گیری‌های سیستم حفاظت و یا احساس عدم حمایت از سوی سازمان و فرمانده رده بالاتر و یا اینکه در شأن خود نمی‌دیدند که با یک بسیجی مصاحبه کنند، عملاً باعث شد تا از مکتوب کردن خاطرات خود پرهیز کنند. البته هرگاه هم مصاحبه‌ای انجام دادند، عموماً با واکنش سازمانی مواجه شدند، که چرا اینطور گفتمی؟ لذا در ارتش، هر کس آمد صحبت می‌کرد هزار تا ایراد به او گرفتند... و اصلاً پشیمان می‌شد که چرا مصاحبه کرده‌است. الان هم همین نگرش حاکم است. لذا در ثبت وقایع جنگ و تألیف آنها، برخوردهای سازمانی ما بیشتر دافعه دارند تا جاذبه.

● **سردار رشید:** به عقیده من قبل از اینکه به تاریخ نگاری جنگ مبادرت ورزیم، باید مدلی برای چپستی جنگ پیدا کنیم. جنگ را باید در سطح استراتژیک عملیات و تاکتیک، توصیف و تجزیه و تحلیل کنیم.

در حوزه استراتژیک، فرماندهانی که قادر به توصیف و تحلیل رویدادهای جنگ باشند (چه در سپاه و چه در ارتش) بسیار کم و انگشت شمارند؛ اما در همین حد، تمایز آشکاری بین فرماندهان ارتشی و سپاهی از حیث تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در صحنه سیاسی کشور وجود دارد. با وجود آن که هر دو گروه نظامی، نمایندگان در شورای امنیت ملی و شورای عالی دفاع داشتند؛ اما روند پرفراز و فرود حوادث در انقلاب موجب گردید تا سپاه به عنوان یک نهاد انقلابی و نوپا در بسیاری از این رویدادها، تأثیرگذار باشد (مثل جریان بنی صدر، تسخیر لانه جاسوسی، مبارزه با گروهک تروریستی مجاهدین خلق و کشف کودتای نوژه).

این دخالت‌ها، نقش سپاه را در سطح تصمیم‌گیری کلان کشور افزایش داد. در حالی که این نقش را هیچگاه نظام به ارتش نداد، ضمن آن که سران ارتش

موفق‌تر عمل کرده‌اند. آنها از آن جهت که از بطن انقلاب برخاسته‌اند، اجتماعی‌تر از ارتش می‌باشند. ثانیاً نیروی سیاسی. نظامی هستند و در بسیاری از دستگاه‌های اجرایی کشور نفوذ دارند، که علت آن تا حدی روشن است؛ بسیاری از اعضای سپاه، بومی (محل خدمتی‌شان) هستند. شهیدانشان که تعداد زیادی هم هستند، در همان محل زندگی دفن شده‌اند، از سوی مسئولین محلی حمایت می‌شوند و اگر قرار باشد همایش یا مثلاً شب شعر و خاطره‌ای در حوزه دفاع مقدس برگزار کنند قادرند بسیاری از امکانات را سریع و فوری از دستگاه‌های اجرایی دریافت کنند.

دامنه تبلیغاتشان هم زیاد است. ولی این امور در ارتش خیلی کند و سیستماتیک باید انجام شود، که گاهی این فرآیند با دشواری‌های زیادی مواجه می‌شود. حتی در جبهه‌ها، سپاه بسیار تواناتر و جسورانه‌تر از ارتش برای ثبت مستند وقایع جنگ عمل کرد.

تهیه فیلم‌های مستند حتی در شب‌های

عملیات، آزادی در عسکرداری و وجود راویان در کنار فرماندهان قرارگاهها و لشکرها و ثبت و ضبط به هنگام جلسات، همه گواهی بر این مدعاست. حال آن که در ارتش این فعالیت‌ها منحصراً به روابط عمومی عقیدتی. سیاسی ارتش سپرده شده بود و آنها نیز فعالیت‌شان محدود بود و اصلاً در جنگ به چشم نیامد. چون خودشان را از فرماندهان جدا می‌دانستند. همین امر باعث شد تا بعضاً خدمات و فداکاری‌های ارتش در عملیات‌ها به طور مستند ثبت نشود. از جمله عملیات مهم ثامن الائمه که لشکر ۲۷ خراسان آنرا هدایت کرد و عناصری از سپاه هم مشارکت داشتند. بی‌شک همین مسائل و عدم ثبت فتوحات از سوی

سردار دقیقی:

دریغ که متولیان فرهنگی کشور، اهتمام لازم را برای نشر و انتشار ایثار و از جان گذشتگی رزمندگان، از خود نشان نمی‌دهند

آنها را نمی دهد؛ بنابراین به مشاغل دیگر اشتغال دارند؛ متأسفانه سیستم هم قادر به تامین مایحتاج آنها نیست. الآن در برخی سرکشی ها به خانواده بازنشستگان، به کسانی برمی خوریم که دارای سابقه طولانی مدت حضور در جبهه ها بودند، برخی به اقتضای مسئولیت شان سال ها در کنار رادار بودند و اکنون دچار سرطان شده و جانباز هم محسوب نمی شوند و زندگی خود را در شرایط بد معیشتی می گذرانند.

آنها در کنار سایر همزمان شان، کیلومترها خاک این سرزمین را از دست اشغالگران آزاد ساخته اند اما امروز خودشان یک وجب زمین برای سکونت ندارند و بعضاً در منازل

استیجاری سکونت دارند و متأسفانه چنین اشخاصی مورد حمایت سازمان متبوع خود قرار نگرفته اند. پس چه توقعی متصور است برای اینکه خاطرات آن روزها را برای من و شما بازگو و یا مکتوب کند. این مسائل باید دغدغه فرهنگی در دستگاهها و یا متولیان امور فرهنگی کشور برای ثبت وقایع و تاریخ نگاری آن باشد.

سردار رشید:

**ضرورت نگارش تاریخ
فرهنگی در صحنه عملیات،
اعم از نبرد تیر و تانک و
عملیات های خاص نظامی
مقوله های با اهمیتی است که
مورد توجه واقع نشده است**

● آقای رشید چرا شما با سابقه پژوهشی و سابقه حضور در جبهه و بودن در کنار فرماندهان به تاریخ نگاری جنگ اقدام نمی کنید؟

● محسن رشید: پاسخ را قبلاً اشاره کردم، چون هرکاری هنری می خواهد. من اگرچه اهل قلم هستم، اما نویسنده خوبی نیستم. من مدیریت پژوهشی را یدک می کشم، اما تاریخ نویس نیستم. بلکه بیشتر تحلیل گر هستم. حافظه ام از اخبار خالی است اما پر از تحلیل است. به عبارتی، متناسب با هر پدیده و رخدادی تحلیل دارم که بیان برخی از آنها احتمالاً مشکلاتی را

هم نخواهند و نمی بایست وارد این صحنه شوند؛ لذا امروز همین عامل موجب اختلاف در سطح وقایع نگاری و تحلیل تاریخی جنگ (از سوی فرماندهان ارتش و سپاه) شده است. نقش و توان ارتش در همین حد بود که مسائل جنگ را به شورای عالی دفاع عرضه کند و اگرچه وزیر دفاع و فرمانده ارتش عضو شورای عالی دفاع بودند اما ارتش تنها سازمانی برای حفظ حاکمیت است که از مافوق خود فرمان می گیرد ولی سپاه در برخی از نقاط عطف جنگ، عامل تعیین کننده بوده است. لذا عدم رعایت این مسائل در سطح تحلیل وقایع نگاری جنگ موجب چالش های غیر معقول می شود.

● سردار دولت آبادی: علاوه بر علت هایی که برای عدم ثبت حقایق جنگ تحمیل مطرح شد، ساختار آموزشی کشور هم برنامه ای برای رشد و نمو فکری جامعه نداشت. همه اینها تأثیرش این بود که ثبت مستند انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی توسط رزمندگان و فرماندهان به رغم حضورشان در جبهه ها و مشاهده آن همه فداکاری ها به خاطر آن که در این فرهنگ رشد و زندگی کرده اند، مورد غفلت قرار گرفت.

اصلاً انگار این پرسش در ذهنشان ایجاد نمی شد که اساساً ریشه و زمینه های مخاصمات عراق با ایران چه بود و چه کسانی سناریوی آن را طراحی کردند؟ آیا امکان جلوگیری از جنگ امکان پذیر بود؟ چرا دشمنان، اصرار به جنگ با ایران داشتند؟ و خیلی پرسش های دیگر بدون شک فقر فرهنگی، باورهای ذهنی ما را از مستندسازی تاریخ جنگ تحمیلی دور نگه داشت. اگرچه بعد از پایان جنگ شاهد شکوفایی استعداد های نهفته در این زمینه بودیم، اما این اقدام هرگز به طور سیستماتیک مورد حمایت قرار نگرفت.

● سرتیپ عزتی: نکته آخری که مهم و قابل بررسی است، مشکل معیشتی برخی رزمندگان و فرماندهان است. غالباً حقوق بازنشستگی کفاف مخارج بعضی از

پرحماسه مقاومت را از زبان آنها برای بهره برداری نسل دیروز که در حال خود فراموشی است و نسل امروز آینده و حافظه تاریخ، استخراج و ضبط و ثبت نمود تا همواره ارزش‌های ۸ سال دفاع مقدس که تجلی اراده خداوندی در اعمال دستجاتی پابره‌نه و بی‌ادعا بود، مانند آیات الهی بارز شود.

ایجاد می‌کند. چون ظرفیت‌های لازم و کافی سیستمی هنوز شکل نگرفته است. نمونه‌اش در جلسه نقد و بررسی کتاب «نبرد شرق کارون» بود. در آنجا در نقد عملکرد بنی صدر گفتیم: «بنی صدر سابقه فرماندهی نظامی و تخصص نظامی نداشت لذا ایده‌های نظامی‌اش متأثر از طرح‌هایی بود که توسط فرماندهان ارتش ارائه می‌شد. در حین بیان این نظرات که امیر مفید با تکان دادن سر، نظرات مرا تأیید می‌کرد، تبدیل به یک گزارش شکایت آمیز علیه من شد که آقای رشید گفته: «خیانت‌ها و شیطنت‌های بنی صدر را ارتش‌ها سازمان می‌دادند».

روزی برادر محسن رضایی به ما گفت: «گمان نکنید ما در قصه مک فارلین بازنده هستیم، ما برنده آن بازی هستیم» (نقل به مضمون) همین مطلب را دستمایه‌ای قرار دادم و آن مصاحبه مشهور را در سال ۱۳۸۰ درباره مک فارلین انجام دادم، اما دوستان هم لباسی ما با عینک بدبینی به آن نگاه کردند، در حالی که من در آن مصاحبه به دفاع از امام (ره) و نظام پرداختم و ناتوانی‌های استراتژیک آمریکا را برای بهره برداری از حسن نظر ایران، با زبانی نه چندان پیچیده ارائه کردم ولی سوء استفاده مطبوعاتی خودی و سوء نظر هم لباسیان برای مدتی مرا وادار به سکوت کرد، به طوریکه بعد از آن تعداد مصاحبه‌های من کاهش یافت.

باید تا فرصت باقی است از فرماندهان لشکری و مسئولین کشوری، اطلاعات مورد نیاز را برای ثبت حقایق جنگ جمع‌آوری کنیم. من معتقدم که در مکتب خمینی چیزی به نام قهرمان پروری نداریم، بلکه ارزش‌مداریم، نه بشرمدار و بشرمداری از ویژگی‌های مکاتب دیگر است.

پرداختن به شخصیت‌های زنده خدمتگذار در عرصه جنگ در فرهنگ ما چندان جایگاهی ندارد. اما معتقدم ثبت تاریخ شفاهی از زبان شخصیت‌های زنده که سند مستند جنگ هستند، از جمله واجبات در حال فراموشی است. ثبت رخدادهای جنگ بسیار کارآمد، موثر و آموزنده خواهد بود. باید رازهای شیرین و تلخ دوران دفاع مقدس و مشاهدات خود از دوران